



از قهرمان سازی هالیوودی تا قهرمان سوزی سینمای ایران!

آرش فهیم



یکی از ابعاد قابل قیاس میان سینمای ایران و هالیوود، در نحوه بازنمایی شخصیت های اول فیلم‌هاست. موضوعی که نقشی بنیادی در «جنگ نرم» و دفاع و تهاجم متقابل در این تقابل دارد. چرا که قهرمان پردازی یا قهرمان‌سازی، یکی از خاص‌های دراماتیک سینمای امریکاست که کارکرد ایدئولوژیک هم دارد، اما در سینمای ایران بسیار کم‌رنگ است. در واقع شخصیت‌هایی که با شمایل قهرمان در فیلم‌های هالیوودی ظهور می‌کنند، سفیران فرهنگی امریکا در بین «مردم» کشورهای مختلف هستند. سفیرانی که در قالب اسطوره، در ناخودآگاه و ضمیر کودکان و نوجوانان نفوذ می‌کنند و اخلاق و سبک زندگی و ایدئولوژی لیبرال سرمایه‌داری را به آنها می‌آموزند.

آن‌ها گاه از درون فیلم‌ها فراتر رفته و تبدیل به ماشین‌هایی برای ساخت تاریخ و هویت و بازسازی

روحیه و انگیزه مردم آمریکا عمل می‌کنند. «سوپرمن»، «جیمزباند»، «میب»، «سپایدرمن» و... نمونه‌ها

و نموده‌ای باز چنین اسطوره‌ها و ابرقهرمانانی هستند. از این رو، تلاش هالیوود برای خلق چنین

قهرمان‌هایی صرفاً دلیل دراماتیک و سینمایی ندارد، بلکه یک نوع کوشش برای تأمین نیاز جامعه

آمریکا به داشتن قهرمان و اسطوره است. این درحالی است که قهرمان هالیوودی کاملاً کاذب و

دروغین هستند. چون این سرزمین فاقد اسطوره به معنی واقعی است.

اما جای شگفتی است که چرا سینمای ایران با وجود برخورداری از قهرمان‌های حقیقی، بسیار کم

به سراغ آنها می‌رود. علاوه‌بر پرانکده بودن اسطوره‌های مذهبی و ملی در تاریخ کشورمان از گذشته‌های

دور تا به حال، مقطع هشت ساله دفاع مقدس نیز منبع عظیم ظهور اسوه‌ها و قهرمان‌های بزرگ بود.

یکی از ضعف‌های بزرگ سینمای ایران در دو دهه اخیر، نادیده گرفتن قهرمانان بوده است. به

جز نمونه‌های بسیار اندک که به نمایش چنین الگوهایی پرداخته‌اند، کمتر فیلم ایرانی را می‌توان

یافت که اساساً قهرمان محور باشد! حتی تعداد زیادی از آثار سینمای ما در حوزه سینمای جنگ،

خواسته یا ناخواسته، تصویری مخدوش از مردان جبهه و جنگ به تصویر کشیدند. مردانی که از

قضا، مصداق و تجلی قهرمانان واقعی در کشور ما بودند. به طور مثال، «پدر» را تولید می‌کند

که نوعی محاکمه رزمندگان است برای این که چرا در مقابل هجوم بیگانه ایستادگی کردند. در این

فیلم، یکی از مردان جنگ به نمایش درآمده که در مقابل پرسش‌های فرزندش درباره این که چرا

در برابر هجوم دشمن ایستاد، هیچ جوابی برای گفتن ندارد. در روزهایی که سینماگران آمریکایی با

مشورت و سرمایه‌گذاری، جافاشانی‌های سربازان خود برای مبارزه با هیولاه‌ا در افغانستان را به تصویر

می‌کشند، کارگردان محترم ما فیلمی چون «بیداری رویاه‌ا» را می‌سازد که در آن درباره سلامت

و صلابت رزمندگان شک و شبهه ایجاد می‌شود و بازگشت این قهرمانان ملی به وطن، جز پدید

آوردن ناراحتی و ضعه و جدایی نمری ندارد. تا آنجا که بازگشت یک رزمنده به کشور پس از سال‌ها

اسارت، معنایی جز از هم گسستن یک خانواده و اندوهگین شدن نزدیکان آن آزاد در پی ندارد. در

شرایطی در آمد، «پژگرم کجک» به کارگردانی صادق دققی درباره شهید بهنام محمدی، «یتیم

خانه ایران» به کارگردانی ابوالقاسم طالبی با حضور سالارخان از مبارزان با استعمار و...

تولید کم‌رنگ آثار قهرمان محور فقط به فیلم‌های سینمایی محدود نشده، بلکه در سریال‌های

تلویزیونی نیز عدم بازنمایی اسوه‌ها، یک درد فرهنگی محسوب می‌شود. به جز تعداد انگشت‌شماری

چون «شوق پرواز» درباره شهید بابایی جای سؤال است که چرا در مقابل حجم عظیم سریال‌هایی با

مضامین خنثی و بی‌خاصیت، درباره قهرمانان ملی کمتر سریالی ساخته شده است. منظور از قهرمانان

صرفاً شهدا و شخصیت‌های رزمی و انقلابی نیست، بلکه شخصیت‌های موثر و بزرگ ورزشی، علمی و

اجتماعی نیز می‌توانند موضوع ساخت آثار قهرمان‌مدارانه باشند.

اگر هالیوود برای قهرمان‌سازی سربازان و نیروهای نظامی خود که نقشی جز ترور و قتل عام مردم

بی‌گناه در کشورهای تحت اشغال بازی نکرده‌اند، مجبور است به افسانه‌سازی و اسطوره نمایی

بزند، در کشور ما فقط کافی است به مردان‌ام‌آور و یا گمنام این جبهه رجوع شود تا یک زائر جدید

در زمینه قهرمان‌پردازی در سینمای جهان متولد شود.

نکته مهم این است که یکی از راه‌های ترویج فرهنگ اسلامی و انقلابی در جامعه، پرداختن به

شخصیت‌های اسوه و الگویی همچون شهدا و مبارزان انقلابی است. صدا و سیما توانایی بیشتری برای

عملی ساختن این امر دارد. این رسانه ملی می‌تواند یکی از برنامه‌های ثابت خود را تولید سریال‌های

فاخر و پرجاذبه درباره زندگی و مبارزات سرداران و شهیدان دفاع مقدس قرار دهد.



برود اما درآمده می‌بینیم که نه تنها سارا (که به طور ناگهانی زردیده می‌شود) دراین قصه به خوبی

دیده نمی‌شود و از طرفی هم از واقعیت آقا‌زاده بودن به نوعی دور هست بلکه مخاطب احساس

می‌کند که سارا چقدر دلیل و بدبخت است و در خانواده بی‌پناهی زندگی می‌کند! همین موضوع،

داستان سریال را متناقض جلوه می‌دهد.

از طرفی باید اذعان کنیم کشورما دارای پلیس و نیروی انتظامی بسیار مقتدری است که واقعا

دور از انصاف است که در تصاویر سینمایی و تلویزیونی کشورمان اقتدار پلیس را نادیده بگیریم و

ضعیف نشان دهیم. به هرحال در ساخت سریال‌های پلیسی باید تلاش شود که قدرت پلیس در

مقابله با سارقان و تبهکاران به عنوان قدرت برتر آن جامعه مطرح شود.

به هروصورت به نظر می‌آید که در سریال «دختر گمشده» سوزه اصلی را کارگردان این سریال

گم کرده بود و همین موضوع هم باعث شد که نتواند چه‌رای قوی و واقعی از پلیس را نشان دهد.

رسول شمالی ورزنده



کیـم دروزینین کارگردان روسی که برای

نمایش فیلمش در پانزدهمین جشنواره فیلم

مقاومت در تهران حضور یافت نیز درباره سینمای

ایران و آشنایی خود با این سینما گفت: در

روسیه بازار فیلم به اندازه کافی باز نیست به همین

دلیل اکثر مردم آشنایی چندانی با سینمای ایران

ندارند و به همین دلیل معتقدم این فستیوال راه

خوبی برای آشنایی مردم دیگر کشورها با سینمای

ایران به ویژه بخشی از آنکه با گفتمان کشورتان

همسوس است.

وی افزود: از نگاه من هنر و سینما یک پتانسیل

بسیار قوی برای نزدیک کردن ملتها به یکدیگر

است. هنر همیشه مردم را به وجد می‌آورد و به

سؤالات آنها پاسخ می‌دهد و حتی گاهی مثال‌هایی

برای حل مسایل پیچیده ارایه می‌کند.

این کارگردان روسی اضافه کرد: ما به عنوان

فعالان هنر باید جلوه‌ای از جهان را روی زمین و

برای مردم بسازیم.

وی همچنین درباره جشنواره فیلم مقاومت

و رویکرد آن در حمایت از موضوعات مرتبط با

مقاومت و ایستادگی کشورها بیان کرد: فستیوال‌ها

را باید سه صورت دایمی و با هر موضوعی برگزار

کرد چون فستیوال‌ها همیشه اجازه می‌دهند

مردم و هنرمندان کشورها به یکدیگر نزدیک

شوند. از طرفی مقاومت همیشه موضوعی به روز

است و بررسی زندگی یک فرد یا جامعه با مسایل

یک کشور در جنگ در یک فیلم می‌تواند بسیار

جالب باشد.

دروزینین درباره اینکه چقدر می‌تواند به

فستیوال‌های معتبر جهانی برای ارایه فیلمش

اطمینان داشته باشد، اظهار کرد: اگر این

فستیوال‌ها مدافعه را برگزار شوند و فیلم‌ها را نه

براساس معیارهای سیاسی بلکه براساس معیارهای

هنری ارزیابی کنند می‌توان به آنها اطمینان داشت

درحالی‌که اکنون خیلی ایسن ارزیابی‌های هنری

وجود ندارد.

مراد شاهین رئیس سازمان سینمایی سوریه

نیز توضیح داد: سینمای سوریه جدی و هدفمند

است و از عمق فرهنگ سوریه برمی‌آید. این اواخر

وظیفه‌ای پرعده سینمای سوریه گذاشته شد تا از

فرهنگ و تاریخ سوریه حفاظت کند و در مقابل از

آنچه که برای آن رخ می‌دهد دفاع کنند. با تعیین

این وظیفه بود که ما به حضور در جشنواره‌ها به

عنوان یک هدف نگاه کردیم تا پیام خود را به

کشورهای دوست و غیره برسانیم.

رئیس سازمان سینمایی سوریه درباره ساخت

فیلم‌های درباره مقاومت با توجه به تصویر بزرگان

سازی‌های هنری رسانه‌ها عنوان کرد: باید یک

جبهه یکپارچه داشت تا بتوانیم نسبت به افکار

منفی در حوزه مقاومت عمل کنیم. اگر یکپارچه

باشیم و شفاف‌سازی کنیم می‌توانیم تصویر درستی

را در حوزه مقاومت به غرب نشان دهیم.

شاهین درباره سه تصویر کشیدن اتفاقات

چندساله اخیر در جنگ سوریه اظهار کرد: اگر

ما بخواهیم اتفاقات این جنگ را به تصویر بکشیم

شاید به بیش از ۲۰ سال زمان نیاز داشته باشیم

با این حال تا همین جا هم سینمای سوریه تلاش

کرد در حوزه آگاه سازی و تصویر کردن مسایل

اقدامات لازم را انجام دهد. در حین جنگ تفکری

وارد جامعه شد که تلاش کرد هویت ما را تغییر

دهد اما سازمان سینمایی سوریه سعی کرد از طریق

شفاف سازی با اینها مقابله کند. تلاش دیگر این

بود که مقاومت ملت و ارتش را از طریق فیلم‌های

مستند آرشو کنیم تا منابعی موثق باشند که حتی

مخالفان نیز بتوانند از طریق این آثار به حقیقت

دست یابند.

رئیس سازمان سینمایی سوریه در پایان درباره

داعش نیز بیان کرد: داعش سعی می‌کرد از رسانه

و پتانسیل آن استفاده کند و متأسفانه برخی از

بزرگی‌ها هم اقداماتی را برای پیش کردند. ما

مستولیت داریم که کشتارها و اقدامات وحشتناک

آنها را به فیلم تبدیل کنیم. مسئولیتی هم داریم که

درباره افرادی که توسط داعش کشته شدند فیلم

بسازیم تا بتوانیم آنها را جاودان کنیم.

حسین عباس، بازیگر سوری نیز درباره بازی

در فیلم‌هایی با موضوع مقاومت تصریح کرد: خوش

ناشیمن من است که در کارهایی با مضمون مقاومت

حضور داشتم. سوریه جلوتر از خط مقاومت است و

اگر شکست می‌خورد خط مقدم مقاومت شکست

می‌خورد. هدف اصلی ما حفظ قلبه فلسطین است و

ما بازیگران سعی کردیم با بازی در فیلم‌های حوزه

مقاومت محور مقاومت را حفظ کنیم.



نامه‌ای از سفارت اسرائیل دریافت کردم که در آن

عنوان شده بود من مایه ننگ یهودیت هستم؛ اما

در نهایت آنها خواستند این موضوع را ماست‌مالی

کنند و به من گفتند از سوی یک کارمند این نامه

به شما ارسال شده است.

وی افزود: پیامی که از سفارت اسرائیل داشتم

نشان از این دارد که اسرائیل به خود اجازه می‌دهد

من را که یک کارگردان اهل آمریکا هستم، مورد

توهین قرار دهد. اسرائیل می‌خواهد بگوید من

نماینده یهودیت هستم و کارهای منفی خود را

تبلیغ کند، در حالی که اینطور نیست. به عنوان

یک خبرنگار آمریکایی باید اضافه کنم دولت آمریکا

سعی می‌کند ما را در حاشیه نگه دارد و بگوید

مسائل فلسطین چیزی نیست که بقیه می‌گویند

ببینند و شاید ۱۰ درصد از مردم هند از فیلم‌هایی

مشابه اثر من استقبال کنند و به همین دلیل هم

من فیلم را به این جشنواره رساندم.

وی درباره مسئله گروگان گرفتن پرستاران

هندی تصریح کرد: دولت هند سعی می‌کرد این

اتفاق را مثل یک راز نگه دارد و آن را به کسی

نشان ندهد. ما مجبور شدیم بخشی از فیلم را

سانسور کنیم چون موضوع ایـن فیلم را دولت

هند نپسندید. در این فیلم به دولت آل سعود

و حادشه رخ داده برای پرستاران در گروگان

گیری توسط داعش! اشاره شد و هیچ کدام اینها

مورد رضایت دولت هند نبود. حتی مشکل این

پرستاران هنوز هم جزو اطلاعات طبقه‌بندی شده

محسوب می‌شود. فیلم «تایگر زنده است» نیز به

این موضوع پرداخته است اما فضایی فانتزی‌تر و

غیرواقعی‌تر دارد.

کوهن همچنین درباره شبکه‌های اجتماعی

غربی گفت: من تبلیغی برای فیلم خود در فیس‌بوک

گذاشتم که توسط این شبکه حذف شد. فیس‌بوک

توسط ناتو و عربستان حمایت می‌شود. این کشورها

گروه‌های اندیشه ورز ایجاد کرده‌اند که فیس‌بوک

را کنترل می‌کنند و حتی تاب یک ضدتبلیغ را

ندارند. همان طور که می‌بینید شبکه‌های اجتماعی



درباره عراق و ظلم آمریکا بر مردم عراق، مستندی

درباره افغانستان و مستندی درباره ظلم آمریکا به

مردم قلیبین ساخته‌ام.

دن کوهن کارگردان یهودی فیلم «کشتن

غزه» اظهار کرد: من فیلمساز و مستندساز هستم

که مستند «کشتن غزه» را ساختم. به عنوان یک

آمریکایی دلم می‌خواهم بگویم آمریکا سعی دارد

مردم ایران را به سلطه خود درآورد با این حال

مردم آمریکا در کنار مردم ایران هستند، از همین

رو باید تلاش کرد به راهی که جشنواره بر آن تأکید

دارد ادامه داد. من از جشنواره تشکر می‌کنم که به

مستندسازی که جان خود را به خطر می‌اندازند

و به موضوعاتی که رنج مردم را نشان می‌دهد،

بها می‌دهد. خوشحالم که مستند من هم در این

تصویر روز-

بخش بین‌الملل جشنواره فیلم مقاومت در دوره‌های اخیر، پررنگ‌تر شده و

گسترش بیشتری یافته است. به طوری که در هر دوره، شاهد حضور تعداد قابل

توجهی از آثار و فیلمسازان خارجی با مضامین ضدسلطه و آزادی‌خواهانه در این

جشنواره هستیم. پانزدهمین دوره جشنواره فیلم مقاومت نیز میزبان جمعی

از فیلمسازان مستقل و ضداستعمار، از اقصی نقاط جهان بود. در این گزارش،

بخش‌هایی از مصحبت‌های هنرمندان خارجی حاضر در این جشنواره را می‌خوانید:

وئیس کاسترو کارگردان کشور ونزولا بیان

کرد: جشنواره‌هایی مثل جشنواره مقاومت از

اهمیت بسیاری بالایی برخوردار هستند، چرا

که به موضوعاتی می‌پردازند که رسانه‌های تحت

نظر سلطه جهانی، قادر به روایت آن نیست. این

گونه جشنواره‌ها عموماً باعث می‌شوند که صدای

مظلومان جهان نیز به گوش تمام دنیا برسد و با

نمایش آثار برجسته در حوزه مقاومت جهانی در

این مسیر گام بر می‌دارد.

کاسترو بیان کرد: در فیلم‌ها و سریال‌های

آمریکایی هرچند نقدهایی به سیاست‌های

آمریکا وجود دارد ولی در لایه‌های زیرین به

موضوعاتی اشاره می‌شود که سلطه آمریکا را ترویج

می‌کند و می‌گوید آمریکا بزرگترین قدرت است

و این نشان می‌دهد فیلم‌ها و سریال‌ها با مقصود

خاصی ساخته می‌شود. در فیلم‌های هالیوودی همه

یهودیان آدم‌های خوبی هستند! اما مردم آمریکای

لاتین کیفیت نشان می‌شود و این تبعیض

همواره در هالیوود وجود دارد بنابراین این سریال‌ها

چیزی نیستند جز دنبال کردن یک خط فکری.

جان جیانوتسو کارگردان سینمای آمریکا

خاطر نشان کرد: من یک فیلمساز مستقل هستم

و از این که بالاخره توانستم به ایران سفر کنم

بسیار خوشحالم. جشنواره مقاومت، جشنواره‌ای

است که آثار آن رنج مردمان مظلوم دنیا را به